

رضا گشتاسب
در گفت و گوبا «ایران»

جشنواره برای تئاتر شهرستان اتفاق بزرگی است

نوشته احسان زیور عالم

یاسوج شهر شناخته شده ای برای تئاتر نیست و احتمالاً همین نادیده گرفتن آسیب های جدی به تئاتر یاسوج زده است. وضعیت امروز تئاتر یاسوج چگونه است؟

من فکر می کنم تئاتر یاسوج با تئاتر کهگیلویه و بویر احمد تئاتر شناخته شده ای باشد. هر جا که برای اجرا می رویم با استقبال خوبی مواجه می شویم. شاید گاهی این اتفاقات متکی و قائم به فرد باشد. به دوسه نفر. به جریان جدی ای تبدیل نشده باشد و هر از گاهی با تصمیمات اشتباه مدیران روزهای سخت و تلخی را به خود ببیند؛ اما همچنان و از زیر بار همه سختی ها دارد راه خودش را می رود. در تئاتر یاسوج هم همیشه کسانی هستند که خودشان را محق می دانند و تمام دنیا را مافیایی می دانند که حقشان را خورده اند و اجازه رشد به آنها نمی دهد. متأسفانه عمرشان را با همین مشغولیات هدر می دهند. تعداد کمی هستند که همچنان بار فکر کردن و تولید را در تئاتر استان به دوش می کشند. امیدوارم تلاششان دیده شود.

اگر سیاستگذار فجر بودی در جشنواره چه تغییر و تحولی ایجاد می کردی؟
جشنواره تئاتر فجر به دلیل سیاست های اشتباهی که در طول این سال ها به خودش دیده از اهمیتی که دارد دور شده است. رسیدن به فجر برای بعضی ها بسیار دور از دسترس و برای بعضی ها دم دستی شده است. این اتفاق فارغ از کیفیت آثار است. این می شود که ساز و کار محلی می شود برای شک کردن. از طرفی تئاتر فجر به دلیل مشکلات مالی دارد کوچک تر می شود و یکی دیگر از دلایل کم شدن اهمیتش همین مساله است. من اگر در تبیین سیاست های این جشنواره نقشی داشتم فکر می کردم و در فرصت بهتری پاسخ می دادم؛ اما به بخشی برای تمام کشور فکر می کردم. بخشی که هر استان کاری با توجه به فرهنگ و زبان و دغدغه های خودش داشته باشد. این بخش برای من اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. ■



نمایش «دست هایم کو مم حسن» | عکس از اسحاق آقایی

کردن دارم؛ اما فکر نمی کنم تهران هم بی مشکل باشد. برای همین فکر می کنم بهتر است هر فکری درباره نزدیک بودن به این مرکز داشته باشم را یک گوشه ای از ذهنم بگذارم و از نزدیک شدن به آن پرهیز کنم تا بعدتر و در مواجهه با آن دچار سرخوردگی نشوم. من فکر می کنم می شود هر جا بود و تئاتر خوب تولید کرد. ما یک روز یاسوج بودیم و هفته بعدش در آلمان اجرا کردیم. یک روز یاسوج بودیم و هفته بعدش در شانگهای چین اجرا کردیم. می شود هر جا بود و از خلق کردن لذت برد.

فجر همواره فرصتی برای بچه های غیر تهرانی محسوب شده است. تو سابقه دبیر فجر استانی را هم داری. به نظرت فجر توانایی نجات هنر مندان استانی را دارد؟

فجر برای تئاتر شهرستان اتفاق بزرگی است. پیش تر جشنواره تئاتر مناطق هم بود که اتفاق خوبی بود و مشکلات و مصائب تئاتر که به سمت کوچک تر کردن تئاتر پیش می رود آن را از ما گرفت. من جشنواره تئاتر فجر را مهم می دانم و از اینکه اهمیت بیش تری هم به آن بدهم نه تنها واهمه ای ندارم، بلکه وظیفه خودم می دانم این کار را بکنم. برای تئاتر شهرستان چیزی جز همین جشنواره نمانده است. آنهایی که با حرف های گاهی حتی منطقی خود سعی در بد جلوه دادن جشنواره دارند، باید بدانند که جشنواره را برمی دارند و چیزی به جایش نخواهند گذاشت. هیچ جایگزین مناسبی برای جشنواره به وجود نخواهد آمد. تنها حذف می ماند. البته که اجراهای عموم و تئاتر برای مردم و خیلی چیزهای خوب دیگر هم هست؛ اما لطفاً جشنواره را از بین نبرید. هر چند به جشنواره همواره انتقاداتی وارد است، بخصوص در نحوه انتخاب آثار؛ اما این تنها لذت باقیمانده برای تئاتر شهرستان است. اگر روزی پیشنهاد بهتری به جای جشنواره باشد من حتماً حمایت می کنم و روی اشتباهم پافشاری نخواهم کرد.

فجر چقدر در معرفی تو اهمیت داشت؟ بدون فجر تو در کدام جغرافیای تئاتر ایران می بودی؟

من از دوره بیست و پنجم تقریباً در تمام دوره ها حضور داشته ام. یا کارگردان یا نویسنده. تماشاگران خوبی به دیدن نمایش هایم آمده اند. خب از این جهت که یا بزرگانی بوده اند که در معرفی من به دیگران نقش داشته اند یا دوستانی بوده اند که نظرشان فارغ از لذت بردن یا نبردن از اثر باعث شد من در تولیدات بعدی با دقت و وسواس بیش تری کار کنم. پس نقش جشنواره تئاتر فجر برای من نقش مهمی بود. شاید یک ارتباط دوطرفه باشد. من به جشنواره اهمیت می دهم و جشنواره هم خوبی هایی برای من داشته که نباید یادم برود. البته بیرون از جشنواره هم من حضور داشته ام. اجراهای عموم را دوست دارم و در سال چند نمایش از من روی صحنه هست. اضطراب و تنش های جشنواره در اجراهای عمومی کم تر است. کار آماده تر است. تنظیم و ترتیب و قانون و قاعده به نظر من نزدیک است و لذت ها هم بیشتر است؛ اما این اجراها شانس هر کسی نیست.

این سال ها رضا گشتاسب یکی از موفق ترین و پربارترین نمایشنامه نویسان ایران بوده است. وی ساکن شهر یاسوج است و در اغلب جشنواره های مهم به عنوان نویسنده حضور دارد. او پیش از کارهایی چون «چند روایت نامعتبر»، «ندیدنی»، «سه گانه سوءظن و سوسک»، «سه روایت از مردن در یکروزه آلود»، «خواب برهنه برف»، «مه آلود مثل یک شب»، «مثل روز»، «چاقوی دم کرده شب»، «یک هفته راه رفتن در بهشت» و... در جشنواره تئاتر فجر حاضر بوده است. این نویسنده اجرایی هم در جشنواره روهر آلمان در سال ۲۰۰۹ داشته است. با او درباره کارهایش و تئاتر شهرستان گفت و گو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

نمایشنامه های رضا گشتاسب با آنچه مادر تهران شاهد هستیم شباهتی ندارد، آثاری به غایت سورئال و مملو از تخیل هستند. این نگاه غریب تواز کجانشی می شود؟

جغرافیای جنوب آیین ها و باورها و داستان های غریبی با خود دارد. زندگی در جنوب مسیرش را از روی همین داستان ها و غرایب ادامه می دهد. با همین ها معنی دارد. در تهران طور دیگری است همان طور که در جنوب هم کم کم دارد همین طوری می شود. فراموشی قصه ها دارد شکل همه گیری به خودش می گیرد. من هم دچار همین فراموشی ناگزیر هستم؛ اما برای عبور از این فراموشی یاد گرفته ام چیزهایی از خودم در بیاورم. من به تجربه شخصی خودم زیاد اهمیت می دهم و کمی هم برایش احترام قائلم. این طوری چیزی درمی آید که شبیه به خودش است. این خلقت تجربه تازه ای برای تماشاگر به وجود می آورد. دست کم چنین انتظاری از نوشتن و تولید تئاتر دارم.

به عنوان نویسنده در میان کارگردانان بسیار محبوب هستی. در تهران آثارت کار می شود؛ ولی هیچ گاه تهرانی نشدی. ماندن در یاسوج بابت چیست؟
در تهران و خیلی از شهرهای ایران نمایش هایم اجرا شده. این از خوشبختی های من است. دوستان زیادی در این مسیر پیدا کرده ام و بی گمان این هم از خوشبختی های من است. من دست کم در این مورد خودم را خوشبخت می دانم؛ چون نمایشنامه هایم همه روی صحنه رفته اند و جاهای خوبی هم روی صحنه رفته اند. اینها را با در یاسوج ماندن به دست آوردم و اینکه فکر می کنم به جز یاسوج، زندگی کردن در جای دیگری را بلد نباشم.

به نظر تو برای پیشرفت در جهان تئاتر نیاز به حضور در مرکز است؟
حضور در مرکز و نزدیک بودن به اتفاقات و منابع انرژی و امکانات همیشه اتفاقات بزرگ تر و گاهی مهم تر و لذت بخش تری را رقم می زند. شاید اگر مرکز می بودم باید کارهای دیگری می کردم. شیوه کار کردم و حتی قبل از آن نگاه و استراتژی ام عوض می شد. در شهرستان مشکلات کم نیست. من مشکلات زیادی برای تئاتر کار